



## نقد دیدگاه دکتر سروش در اثبات ناپذیری تاریخی تولد امام و عدم ضرورت اعتقاد به وجود امام مهدی علیه السلام

زهرآ پنبه‌پز<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۱

ابراهیم شفیعی سروستانی<sup>۲</sup>

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶

محمد رنجبر حسینی<sup>۳</sup>

### چکیده

از دیدگاه شیعه، شناخت ائمه اطهار علیهم السلام لازم است. امروزه در دوره غیبت کبرای امام مهدی علیه السلام، شیعیان بیش از هر زمانی نیازمند کسب معرفت درباره آن حضرت هستند؛ به خصوص این که برخی افراد زمینه ساز برداشت های ناصحیحی شده و با قابل اثبات ندانستن وجود تاریخی امام مهدی علیه السلام، اعتقاد به آن حضرت را ضروری ندانسته اند. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی در صدد اثبات تاریخی وجود امام مهدی علیه السلام است؛ از این رو، با ذکر شواهد تاریخی بی شماری که در منابع شیعی و حتی غیر شیعی بر وجود تاریخی آن حضرت گواهی می دهد، وجود تاریخی آن حضرت را اثبات کرده و ضرورت اعتقاد به وجود امام مهدی علیه السلام را تبیین کرده است.

### واژگان کلیدی

امام مهدی علیه السلام، غیبت، تولد امام مهدی، روشن فکران مسلمان.

۱. دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث (z\_panbehpez@yahoo.com)

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (ibrahim.shafiee@gmail.com)

۳. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث و عضو پیوسته انجمن کلام اسلامی حوزه (ranjbarhosseini@gmail.com)

## مقدمه

از آن جا که «امامت» از مهم ترین ارکان اعتقادی شیعه امامیه است، کسب معرفت درباره امام هر عصر، اهمیت بسزایی دارد. با توجه به ویژگی های خاص حضرت مهدی علیه السلام، کسب معرفت از ویژگی های اختصاصی آن حضرت، از ضروریات غیر قابل انکار است. عبدالکریم سروش از روشن فکران مسلمانی است که درباره امام مهدی علیه السلام شبهاتی را وارد کرده است.<sup>۱</sup> هر چند برخی سخنرانی های وی درباره مهدویت پاسخ داده شده است، از قبیل آنچه آقای حسین سوزنچی در مقاله «جمع خاتمیت با امامت و مهدویت» آورده است یا مقاله «پیوند ناگسستگی خاتمیت با ولایت و شبهه آقای سروش» در این زمینه از آقای علی نصیری؛ اما درباره یکی از سخنرانی های نسبتاً جدیدتر ایشان که با عنوان «اقبال و مهدویت» منتشر شده است، به جز تحلیل دیدگاه های اقبال لاهوری در این زمینه، کار چندانی انجام نشده است. وی در این سخنرانی، زمینه برداشت های غیر صحیحی را درباره حضور تاریخی امام مهدی علیه السلام، نحوه پیدایش و تکامل اندیشه مهدویت، فواید حضور امام، انتظار و... فراهم کرده است. با توجه به این موضوع، مقاله حاضر ذیل دو عنوان، قسمت ابتدایی این سخنرانی را که درباره اثبات ناپذیری تاریخی وجود امام مهدی علیه السلام در دوره غیبت است و با استناد به آن، عدم ضرورت اعتقاد به آن حضرت را نتیجه می گیرد، مورد نقد و بررسی قرار می دهد و ضمن اثبات وجود تاریخی آن حضرت، به نقد ادعای عدم ضرورت اعتقاد به وجود امام عصر علیه السلام می پردازد.

## اثبات ناپذیری تاریخی تولد امام مهدی علیه السلام

عبدالکریم سروش این گونه ادعا می کند که اعتقاد به وجود امام مهدی علیه السلام، قصه ای اعتقادی است و به جهت تاریخی نمی توان وجود آن حضرت را اثبات کرد: «قصه امام زمان یک قصه اعتقادی است. وقتی می گویم اعتقادی یعنی ما به لحاظ تاریخی قدرت اثبات آن را نداریم؛ آن طوری که موجودیت یک کسی، مثل پیامبر اسلام به لحاظ تاریخی محرز است؛ یعنی مسلمان و نامسلمان وقتی به شواهد تاریخی مراجعه می کند، درمی یابد که چنین کسی آمده و چنان آثاری از خود به جای گذاشته و از دنیا رفته است؛ هیچ کسی شکی ندارد. به لحاظ تاریخی

۱. ر.ک: سخنرانی با عنوان «تشیع و چالش مردم سالاری» و «اقبال و مهدویت» منتشر شده در سایت: [www.drseroush.com](http://www.drseroush.com)

مسلمان باشد یا نباشد، شیعه باشد یا نباشد. در مورد امام اول هم همین طور است. در مورد امام ششم شیعیان، امام جعفر صادق علیه السلام هم همین طور است. اما به امام دوازدهم که شما می‌رسید، تاریخ بسیار تاریک است؛ یعنی جز این که شما از پیش به چنین چیزی اعتقاد داشته باشید، نمی‌توانید با شواهد تاریخی اثبات کنید که چنین کسی به دنیا آمده؛ چنین کسی چند سال زیسته؛ چنین کسی غایب شده. ما چنین شواهد تاریخی نداریم» (سروش، سخنرانی نیمه شعبان ۹۲).

وی درباره عدم وجود شواهدی دال بر این که آیا اصلاً امام مهدی علیه السلام در این دنیا بوده است یا خیر، این گونه سخن می‌گوید: «برای این که خود شیعیان معتقدند اولاً، حاملگی او در خفا بوده؛ یعنی مادر او که حامله بوده، شکم او نشان نمی‌داد که حامله است. خداوند می‌خواست او را مخفی نگه دارد. وقتی هم که به دنیا آمده، پنج سال از دید مردم مخفی بوده؛ بعد هم که همیشه غایب شده است. حُب چنین کسی را شما نمی‌توانید به لحاظ تاریخی شواهدی نشان بدهید که به شما بگوید که او اصلاً در این دنیا بوده یا نبوده؛ اما روایات شیعه الی ماشاءالله می‌گوید که چنین کسی آمده، به دنیا آمده، تولد او مخفیانه صورت گرفته، حضور او مخفیانه بوده، بعد هم که غیبت کرده است؛ الآن برای بیش از ۱۲۰۰ سال...» (سروش، سخنرانی نیمه شعبان ۹۲).

برای روشن شدن پاسخ این شبهه، لازم است چند نکته را بررسی کنیم:

### ۱. چگونگی اثبات گزاره‌های تاریخی

اثبات وجود تاریخی امام مهدی علیه السلام مانند هر گزاره تاریخی دیگر، از آن جا که از سنخ گزاره‌های توصیفی نقلی است، به صدق مخبران و گزارشگران و ضبط و دقت آن‌ها، بستگی دارد. چنانچه صدق پیشوایان دین اسلام و ناقلان و مخبران گفته‌های آن‌ها به عنوان گزارشگران صادق ثابت گردد، می‌توان وجود تاریخی امام مهدی علیه السلام را اثبات کرد. صدق گفته‌های پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام با براهین عقلی در علم کلام و فلسفه اسلامی، ثابت شده است.

از آن جا که ممکن است گفته شود، صدق وسایط معلوم نیست و انسان‌های معاصر، این گزارش‌های تاریخی را به صورت مباشر از اولیای دین دریافت نکرده‌اند، بلکه از طریق وسایط دیگری به دست آورده‌اند، لذا مورخان و علمای علم رجال به بیان انواع خبرهای متواتر محفوظ به قرائن قطعی پرداخته و از این طریق به کشف استناد کلام به گوینده معصوم پی برده‌اند. عقلاً

به لحاظ روش‌شناسی تاریخی، خبرهای متواتر را مقدم می‌دارند و سپس به خبرهای غیرمتواتر همراه با قرائن قطعی مراجعه می‌کنند و در رتبه سوم به خبرهای غیرمتواتر و غیرمحفوف به قرائن قطعی، روی می‌آورند، ولی به خبرهایی که از مخبران غیر موثق و دروغ‌گو صادر شده باشد، اعتنا نمی‌کنند (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۹۰: ۵۰).

بنابراین نمی‌توان در صحت‌سنجی گزاره‌های تاریخی تبعیض قائل شد؛ ملاک‌های صحت‌سنجی واحد است و پذیرش وجود تاریخی امام مهدی علیه السلام نیز مانند هر گزاره تاریخی دیگر، به صدق مخبران و گزارشگران و ضبط و دقت آن‌ها، بستگی دارد. ولادت امام مهدی علیه السلام موضوعی نیست که گزارشگران آن متعلق به طیف و گروه خاصی باشد که بتوان با ایجاد تردید در صحت آن، اصل تولد را انکار نمود، بلکه از همان صدر اسلام که تاریخ، پیش‌گویی‌های رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در این زمینه نقل نمود و بسیاری از صحابه، تابعین و... از آن سخن گفتند تا پس از تولد حضرت که بسیاری از اهل تسنن نیز روایات آن را نقل کرده‌اند<sup>۱</sup>، همه و همه گواه بر صحت این مطلب از لحاظ تاریخی است.

## ۲. شواهد تاریخی تولد امام مهدی علیه السلام

تولد امام مهدی علیه السلام را می‌توان بر اساس شواهد تاریخی فراوانی که گواه بر تولد، حضور و ارتباط آن حضرت با شیعیان است اثبات کرد. در این جا به صورت مختصر برخی شواهد ذکر می‌گردد.

### ۲-۱. گواهان تولد امام مهدی علیه السلام

برای اثبات تولد هر فردی، راهی بهتر از نقل به وسیله افرادی که از نزدیک شاهد و گواه تولد بوده‌اند، نیست. از آن جا که گزاره‌های تاریخی از سنخ گزاره‌های توصیفی و نقلی هستند، در پذیرش هر نوع گزارش تاریخی آنچه دارای اهمیت است، صادق بودن مخبران و گزارشگران و ضبط و دقت آن‌هاست. در این قسمت به گواهی افرادی اشاره می‌شود که علاوه بر این که از نظر شأن و منزلت دارای جایگاه والایی هستند، خود از نزدیک در جریان امور قرار داشته‌اند و روایت‌کننده تولد امام مهدی علیه السلام بوده‌اند.

۱. ر.ک: أصالة المهدوية في الإسلام و کتاب الإمام المهدی علیه السلام عند أهل السنة از مهدی فقیه ایمانی؛ الإمام المهدی علیه السلام في روایات أهل السنة از عبدالرحیم موسوی؛ و المهدی الموعود المنتظر علیه السلام عند علماء أهل السنة و الإمامة از نجم‌الدین جعفر شریف عسگری.

الف. گواهی امام حسن عسکری علیه السلام: امام عسکری علیه السلام چندین بار اصحاب نزدیک خود را از تولد مهدی موعود علیه السلام مطلع کردند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۳۱؛ حلبی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۸). با گواهی امام حسن عسکری علیه السلام جای هیچ گونه ابهامی باقی نمی‌ماند، چراکه در هیچ جای دنیا افرادی قابل اعتماد و شریف نمی‌توان یافت که به پایه شرافت و فضیلت اهل بیت علیهم السلام برسند. در بین عامه مردم هم، چنانچه پدری شهادت بر تولد فرزندش دهد، از او پذیرفته است؛ هرچند بر عدم انتشار این خبر تأکید گردد.

ب. گواهی حضرت حکیمه خاتون: در اثبات تولد امام مهدی علیه السلام شهادت شخصیتی همچون حضرت حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام، خواهر امام هادی علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام، که در هنگام ولادت امام مهدی علیه السلام مادر آن حضرت را رسیدگی نمود، به تنهایی کفایت می‌کند. وی پس از تولد یافتن حضرت مهدی علیه السلام به ولادت ایشان تصریح و کراماتی را از امام مهدی علیه السلام نقل کرده است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۳ق، ۸: ۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲: ۳۵۲).

## ۲-۲. مشاهده‌کنندگان امام مهدی علیه السلام

وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام را افراد متعددی مشاهده کرده‌اند که به مواردی اشاره می‌شود.

الف. خدمه و غلامان امام حسن عسکری علیه السلام: کسانی که در داخل خانه امام حسن عسکری علیه السلام راه داشتند از قبیل: نسیم، ماریه و ابوبصیر که خادم منزل امام حسن عسکری علیه السلام بودند، از وجود حضرت مهدی علیه السلام کراماتی را نقل می‌کنند؛ و نیز «عقید» که غلام امام حسن عسکری علیه السلام و تربیت‌شده حضرت بود، در لحظات آخر عمر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شاهد حضور امام مهدی علیه السلام بر بالین پدر است (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۳۱-۴۲۶ و ۴۴۱؛ طوسی، ۱۳۸۶: ۴۴۰-۴۳۵).

ب. خواص معتمد و صاحب‌نام شیعه: برای اثبات تولد امام مهدی علیه السلام از لحاظ تاریخی کافی است به سخنان افراد معتمد و صاحب‌نام شیعه در زمان امام عسکری علیه السلام که به تولد آخرین حجت حق گواهی داده‌اند، استناد گردد. از فردی همچون «احمد بن اسحاق قمی» که از منزلت والایی برخوردار است، نقل شده است که وی توقیعی از امام حسن عسکری علیه السلام دریافت کرد که در آن امام به او بشارت تولد فرزند خود را داده است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۳۴)؛ یا آنچه از معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری نقل شده

است که امام حسن عسکری علیه السلام پسرش را در منزل خود در حضور چهل نفر به آن‌ها نشان داد و او را به عنوان امام پس از خود معرفی کرد و از غیبت او آنان را مطلع ساخت (صدوق، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۳۵)؛ و یا خبر «عمرو اهوازی» که بیان کرده است امام حسن عسکری علیه السلام پسرش را به او نشان داده و او را به عنوان جانشین خود به وی معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۴).

### ۲-۳. اخبار مربوط به عقیقه

اخباری که بر انجام سنت عقیقه، توسط امام حسن عسکری علیه السلام به مناسبت میلاد امام مهدی علیه السلام دلالت دارد نیز از شواهد تاریخی دالّ بر میلاد امام مهدی علیه السلام است؛ برای مثال، آنچه «محمد بن ابراهیم کوفی» بیان کرده است که امام حسن عسکری علیه السلام گوسفند سربریده‌ای را برای کسی فرستاد و فرمود: «این از عقیقهٔ پسر محمد است.» یا خبری که از «حسن بن ابی‌المنذر» نقل شده است که: روزی «حمزة بن ابی‌الفتح» نزد من آمد و مژدهٔ تولد فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را داد و از عقیقهٔ آن فرزند توسط امام خبر داد و نام او را گفت (صدوق، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۳۲).

### ۲-۴. اخبار مربوط به تهنیت تولد

اخباری از ورود شیعیان بر امام حسن عسکری علیه السلام جهت تهنیت تولد امام مهدی علیه السلام خبر می‌دهند؛ مانند آنچه از «ابوالفضل الحسین بن الحسن العلوی» نقل شده است که پس از تولد حضرت مهدی علیه السلام، در سامرا بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده و به وی تهنیت گفته است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۰).

### ۲-۵. اخبار مربوط به مادر امام

اخباری دربارهٔ مادر آن حضرت موجود است. بزرگان شیعه، در بسیاری از موارد به معرفی مادر امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند؛ حتی نحوهٔ آشنایی و ازدواج امام حسن عسکری با مادر امام مهدی علیه السلام به صورت مفصل در بسیاری از کتب آمده است و همه‌جا بر این مطلب تأکید شده است که آن حضرت مادر منجی موعود، امام مهدی علیه السلام است (ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۵: باب اول، ۱۸۲؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۲۱۰-۲۱۵؛ طبرسی نوری، ۱۳۸۹: ۳۱-۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۵۱: باب ولادته و احوال اُمّه).

## ۶-۲. اخبار حکومت وقت از تولد امام

از لحاظ تاریخی در کتاب‌های تاریخی امامیه و غیرامامیه، آمده است هنگامی که معتمد عباسی شنید امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفته‌اند، مأموران او را به خانه امام فرستاد و دستور داد همه‌جا را تفتیش کنند تا امام مهدی را به چنگ آورند و تمامی خدمه و بیت امام، تمامی زنان امام را دستگیر و بازداشت کردند تا بدانند فرزند، از آن کدام یک است. بنابراین اقدامات دستگاه حاکم در جهت تعقیب و جست‌وجوی امام، قرینه روشن و آشکار بر وقوع ولادت آن حضرت است؛ لذا معلوم است که ولادت امام مهدی علیه السلام برای آنان در اوج وضوح و قطعیت قرار دارد (هاشم العمیدی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

## ۷-۲. اخبار ارتباط شیعیان با امام مهدی علیه السلام

کسانی به خدمت آن حضرت رسیده و ایشان را ملاقات کرده‌اند؛ اعم از کسانی که در دوره غیبت صغری یا دوره غیبت کبری به محضر آن حضرت شرفیاب گردیده‌اند.

**الف. ارتباط شیعیان در دوره غیبت صغری با امام مهدی علیه السلام:** یکی از بهترین شواهد دال بر حضور وجود امام مهدی علیه السلام که برای توده مردم نیز قابل فهم و اطمینان‌بخش‌تر است، عبارت است از بررسی و تحقیق پیرامون کسانی که به خدمت حضرت رسیدند و جمال نورانی امام خود را مشاهده کردند. این افراد از گروه‌های مختلف و در زمان‌های متفاوت بودند که به این نعمت عظمی نایل گردیدند.

عده‌ای از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و پدر بزرگوارشان امام هادی علیه السلام، بزرگان اصحاب و راویان شیعه در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام، در زمان طفولیت و مدت مصاحبت ایشان با پدر بزرگوارشان، به خدمت حضرت رسیدند و ایشان را ملاقات کردند و به اذن حضرت به این مطلب شهادت دادند. شیخ صدوق نام افرادی را ذکر کرده که به معجزات امام آگاه بوده و ایشان را زیارت کرده‌اند؛ از نواب و سایر شیعیان. جالب این‌که ایشان از نقاط و شهرهای متفاوتی هستند که صدوق نام بلاد ایشان را نیز متذکر شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۴۳۴-۴۷۹؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۳۰ق، ۲: ۴۴۰-۵۲۰).

هم‌چنین در دوران غیبت صغری، منصبی با عنوان «وکالت» مطرح بوده است که از نظر تاریخی، شیعیان به خصوص علما، فقها و رجال مطرح و مورد قبول شیعه، وجود امام مهدی علیه السلام

را پذیرفته بودند؛ احتمال این که افرادی بدون ارتباط با امام مهدی علیه السلام بتوانند اعتماد علما و رجال شیعه را در تمام نقاط شیعه نشین آن روز مانند بغداد، ری، نیشابور، قم و... جلب کرده و حمایت آنان را کسب کنند، امری بعید به نظر می‌رسد؛ بنابراین وجود نهاد وکالت می‌تواند شاهدی جهت اثبات وجود امام مهدی علیه السلام باشد (ر.ک: قاضی خانی، ۱۳۸۸: ۹۲).

نواب، افراد شناخته شده و مورد اعتماد عام و خاص و برخی وکیل امام هادی و عسکری علیه السلام بودند و برای هر یک از آنها، از طرف امام مهدی علیه السلام نصّ خاص و توقیعی صادر گردید؛ ضمن این که شیعه، گفتار هیچ یک از نواب اربعه را بدون ظهور و بروز معجزه به دست آنان، از طرف امام مهدی علیه السلام نپذیرفت (ر.ک: اوسطی، ۱۳۸۶: ۸۰).

در غیبت صغری علاوه بر نواب اربعه، عدّه کثیری به ملاقات حضرت راه یافتند. پیش گامان مشایخ شیعه مانند کلینی، صدوق، مفید و طوسی در کتاب‌هایشان اسامی افرادی را نقل کرده‌اند که ایشان را دیده‌اند که تعداد آن‌ها بسیار زیاد است.<sup>۱</sup>

ب. ارتباط شیعیان در دوره غیبت کبری با امام مهدی علیه السلام: در زمان غیبت کبری نیز عدّه کثیری به خدمت حضرت مهدی علیه السلام رسیده‌اند که گروه فراوانی از علمای بزرگ و نیکان بودند. این ملاقات‌ها در زمان‌های مختلف و در بلاد متفاوت رخ داده و اسباب این تشرفات متفاوت بوده است (ر.ک: طبرسی نوری، ۱۳۸۹: ۳۲۸-۶۱۲؛ اوسطی، ۱۳۸۶: ۸۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲: ۳۴۰).

## ۲-۸. اخباری از اهل سنت در ولادت آن حضرت

بسیاری از اهل سنت در کتاب‌هایشان به موضوع تولد حضرت در سامرا و این که او فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و غیبتی برای آن حضرت واقع شده است، اشاره کرده‌اند؛ از جمله «ابوالحسن اشعری» که از علمای بنام اهل سنت است، در کتاب مشهور خود «مقالات الاسلامیین» که در سال ۲۹۷ هجری تألیف کرده، یعنی تنها ۳۷ سال پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، تصریح می‌کند: جمهور شیعه، یعنی اکثریت قریب به اتفاق، معتقدند ... حسن بن علی عسکری، برای پس از خود، فرزندش محمد بن حسن بن علی را به عنوان امام معرفی کرد و در نظر آنان، او همان غایب منتظر است که ظهور خواهد کرد، و زمین را پر از عدل و داد

۱. به ترتیب: کلینی، ۱۳۶۲، ۱: ۱۶۸-۴۳۸؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ۲: ۴۳۴-۴۷۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق (الف)، ۲: ۲۸۷-۲۳۹؛ طوسی، ۲۵۳-۲۸۱.



خواهد کرد (ر.ک: اشعری، مقالات الاسلامیین، ۱: ۱۷). این اقرارها در طول اعصار متمادی به یکدیگر متصل بوده‌اند، به صورتی که معترف بعدی به راحتی هم‌عصر با معترف قبلی بوده است. هاشم العمیدی نام ۱۲۸ تن از علمای اهل سنت را بر پایه ترتیب زمانی از ابتدا تا دوره معاصر همراه با آدرس کاملی از نام کتب آن‌ها و... را ذکر کرده که به ولادت امام مهدی اعتراف کرده‌اند (هاشم العمیدی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

### ۹-۲. نقل شفاهی شیعیان

خبر تولد و غیبت امام از قبل از تولد حضرت، در بین شیعیان رایج و ثابت بوده است و بعد از تولد نیز جمهور اصحاب امام عسکری علیه السلام قائل به تولد امام مهدی علیه السلام بوده‌اند (سامی بدری، ۱۴۱۷ق، ۴: ۱۱). اخبار شیعه درباره تولد و غیبت امام، متواتر و بلکه فوق متواتر است (شبر، ۱۴۲۴ق: ۲۸۴).

### ۱۰-۲. اجماع شیعیان

از بهترین شواهد تاریخی دال بر تولد امام مهدی علیه السلام، اجماع علمای شیعه بر موضوع امامت امام مهدی علیه السلام و از بین رفتن همه فرقه‌های به‌وجودآمده در دوران شیخ مفید است. شیخ مفید پس از نقل گفتار «نوبختی» در پیدایش فرقه‌هایی پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، بر از بین رفتن همه آن‌ها تا زمان خود تأکید می‌کند: در این زمان، تنها پیروان امامیه اثنی عشر باقی هستند که قائل به امامت فرزند امام حسن عسکری‌اند و معتقدند که وی هم‌نام رسول الله صلی الله علیه و آله است و بر حیات و بقای او تا زمان قیام به شمشیر قاطع هستند. سرشناسان و... شیعه بر این اعتقاد هستند. از دیگر فرقه‌های شیعه فقط اوصافی به جا مانده است که گذشتگان از آن‌ها نقل می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲۲).

### ۳. راه‌کار فقهی اثبات ولادت

علاوه بر شواهد و گزارش‌های تاریخی که درباره تولد امام مهدی علیه السلام گذشت، توجه به این نکته حایز اهمیت است که از نظر دین اسلام، راه‌کار فقهی اثبات تولد کودک چیست؟ در فقه اسلامی از آن‌جا که تولد فرزند از جمله مسائلی است که اطلاع از آن برای مردان دشوار است، برای اثبات تولد فرزند و ترتب آثار آن همچون ارث و مانند آن، شهادت یک زن به تنهایی کفایت می‌کند (شهید ثانی، ۱۳۹۶: ۳۲۴)؛ این در حالی است که از نظر اسلام در دیگر موارد،

حداقل دو زن باید شهادت دهند.<sup>۱</sup> ولی با در نظر گرفتن این موضوع که تولد امری است که در خفا اتفاق می‌افتد؛ همانند دیگر مسائل مربوط به اثبات فرزند که عموماً غیر قابل محسوس است، مثل این‌که این فرزند از نطفه کیست؟ از این رو، نه تنها در موارد خاص، بلکه در همه موارد این‌گونه است که راه دیگری غیر از قبول سخن افراد در این زمینه نیست. با گواهی مادر به تولد فرزند، شهادت دادن پدر بر این‌که فلانی پسر اوست، یا اعلان نمودن فرد که فرزند فلانی است، جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌ماند.

#### ۴. فلسفه مخفی کردن تولد امام مهدی علیه السلام

درست است که امام حسن عسکری علیه السلام ولادت حضرت مهدی علیه السلام را مخفی کردند و غیر از نزدیکان آن حضرت، دیگران افتخار زیارت آن امام را پیدا نکردند (اربلی، ۲، ۱۳۸۱: ۴۱۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق (الف)، ۱۱: ۳۳۶؛ ابن شهر آشوب، ۴، ۱۳۷۹: ۴۲۲)، اما باید توجه داشت که این پنهان‌کاری به آن معنا نیست که بعدها، یعنی در مدت پنج - شش سال آغاز عمر ایشان، که امام یازدهم در حال حیات بودند، کسی آن بزرگوار را ندیده باشد؛ بلکه افراد خاصی از شیعیان در فرصت‌های مناسب به دیدار آن حضرت نایل می‌شدند تا به تولد و وجود وی یقین حاصل کنند و در موقع لزوم به شیعیان دیگر اطلاع دهند. گاهی ضرورت اقتضا می‌کند که تولد فرد مخفی بماند؛ لذا صدور حکم نفی ولادت فرزند، از مواردی است که بدون یقین و ابتدائاً صحیح نیست. کسی نمی‌تواند در مورد فردی که وجود فرزندش برای او آشکار نشده است، ادعا کند که فرزندش ندارد؛ زیرا عقلاً گاهی با انگیزه‌ها و دلایل مختلف، ناچار به پوشیده داشتن فرزندانشان می‌شوند؛ مثلاً برخی پادشاهان از بیم آن‌که مبدا به فرزندشان ضرری برسد، او را از دیدگان پنهان می‌کردند. موارد زیادی از این قبیل در سرگذشت پادشاهان پیشین یافت می‌شود و اخبار آن‌ها هم معروف است. در میان مردم عادی هم این اتفاق می‌افتد؛ مثلاً کسی که از کنیز یا همسر پنهانی خود دارای فرزند شده است، از ترس ایجاد دشمنی و درگیری با همسر و دیگر فرزندانش، این فرزند را انکار می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان ادعای متولد نشدن فرزند برای کسی کرد. تنها در صورتی که اوضاع و احوال مناسب باشد و بدانیم که هیچ مانعی برای آشکار ساختن ولادت فرزند وجود نداشته است، می‌توان پی برد که واقعاً ولادتی رخ نداده است...؛ ولی در مورد فرزند امام حسن عسکری علیه السلام هرگز نمی‌توان علم به تولد نشدن او کرد، زیرا این موضوع مشهور بود و همه می‌دانستند که بر

۱. آیه ۲۸۲ سوره «بقره» از اعتبار شهادت دو زن، معادل یک مرد سخن گفته است.

اساس مذهب امامیه، دوازدهمین امام، همان قائمی است که امید می‌رود دولت‌های جور به دست او نابود شوند (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۶: ۲۴۰-۲۳۹).

### عدم ضرورت اعتقاد به وجود امام مهدی

از نظر عبدالکریم سروش، پذیرش غیبت حضرت مهدی نیز ضرورتی ندارد و لطمه‌ای به دین‌داری وارد نمی‌کند، چراکه وی اعتقاد به غیبت را از ضروریات دین محسوب نمی‌کند و حتی مدعی است اگر کسی به چنین چیزی نرسید، باز هم خداوند گریبان او را نخواهد گرفت؛ بنابراین اگر کسی به این حقیقت رسید که امام زمان واقعتاً دارد، ایمان می‌آورد؛ اگر نرسید که سکوت می‌کند، اظهار نظر نمی‌کند و آن هم مقبول خداوند است (سروش، سخنرانی نیمه شعبان ۹۲).

وی در ذکر دلیل خود بر این ادعا که ناباوری به غیبت امام عصر ذره‌ای به مسلمانی، اسلامیت و ایمان آدمی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد، می‌گوید: «برای این‌که خداوند آدمیان را به میزان عقلی که به آن‌ها داده، مورد محاکمه و مؤاخذه قرار می‌دهد. اگر که آدمی نتوانست چیزی را با شواهد کافی باور کند، آن‌گاه درباره او سکوت خواهد کرد و چنان‌که گفتم، این سکوت و این ناباوری ذره‌ای به مسلمانی، به اسلامیت و به ایمان آدمی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد» (سروش، سخنرانی نیمه شعبان ۹۲)

در تحلیل و نقد ادعای عدم لزوم پذیرش اخبار و روایات و ضروری نبودن اعتقاد به وجود امام مهدی، توجه به دو نکته حایز اهمیت است:

#### ۱. پذیرش اخبار متواتر

دقت در پذیرش اخبار و تأکید بر تفکیک احادیث صحیح از ضعیف، امری معقول و پذیرفته شده است، اما این به معنای کنار نهادن یک‌جانبه تمام روایات نیست؛ از این رو، حتی خبر واحد در صورت دارا بودن شرایطی، دارای حجیت است. شیخ انصاری در مقام بیان دلیل اجماع بر اعتبار خبر واحد، می‌نویسد: «قد جرت طریقه السلف و الخلف من جمیع الفرق علی قبول أخبار الآحاد فی کل ذلک مما کان النقل فیہ علی وجه الإجمال أو التفصیل و ما تعلق بالشرعیات أو غیرها» (انصاری، ۱۳۹۵، ۱: ۳۷۱). با این تفصیل، اخباری را که به حد تواتر رسیده باشد، نمی‌توان نادیده انگاشت و همه آن‌ها را غیر قابل قبول دانست. علاوه بر تأکید علمای شیعه بر تواتر روایات مربوط به تولد امام مهدی، برخی علمای اهل سنت نیز که در

دانش حدیث تخصص دارند، به تواتر این احادیث تصریح کرده‌اند.<sup>۱</sup>

گذشته از این‌که در هر موضوعی خبر متواتر سبب اطمینان است و سیره عقلا ضرورت پذیرش اخبار متواتر را اقتضا می‌کند، برای اثبات مسائل غیر محسوس راهی جز پذیرش اخبار و روایات نیست. تولد انسان نیز از اموری است که به وسیله لوازم و آثار آن اثبات می‌شود و مسائل مربوط به آن دارای مراحل است که غیر قابل مشاهده است. در این گونه مسائل، راهی جز تکیه بر قرائن نیست (ر.ک: نجفی، ۱۴۲۷ق: ۱۸-۲۲)؛ لذا با در نظر گرفتن این امر و وجود تواتر روایات مربوط به تولد امام مهدی علیه السلام و سیره عقلا که خبر متواتر را برترین و بهترین نوع اخبار می‌دانند که مفید علم و سبب اطمینان می‌گردد، جای ذره‌ای تردید باقی نمی‌ماند.

## ۲. ضرورت پذیرش وجود امام دوازدهم

از همان سال‌های آغازین ظهور اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موضوع امامان دوازده‌گانه و غیبت امام دوازدهم را مطرح کردند. شواهد فراوانی در این زمینه وجود دارد، به گونه‌ای که به تعبیر شیخ مفید «راه هر گونه عذر و بهانه بسته می‌شود» (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲: ۳۴۳).

فرد شیعه باید دوازده امام را بشناسد و معتقد به همه آن بزرگواران باشد و نیت پیروی از همه آنان را به همراه پیروی از جدشان داشته باشد (عسکری، ۱۳۸۲، ۲: ۱۶۹). پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان امام حقیقی موجود واجب شمرده شده است (السیوری، ۱۴۱۲ق: ۹۷)، چراکه از دیدگاه شیعه «وجود امام، لطفی از جانب حق است» (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۶۲).

آنچه از سوی شیعه به امامان معصوم علیهم السلام نسبت داده می‌شود، شبیه مطالبی است که درباره حضرت ابراهیم، اسحاق، موسی، عیسی، یحیی علیهم السلام و... گفته شده است که البته همه دارای اسناد معتبری هم هستند؛ پیامبران بزرگ الهی نیز گاهی سال‌ها از چشم مردم غایب بوده‌اند؛ مانند حضرت ابراهیم، موسی، یونس (ر.ک: طبری، ۱۳۷۶: ۱۷۹)، در حالی که وقایع مربوط به ولادت امام دوازدهم علیه السلام از بیشتر وقایعی که در تاریخ به چشم می‌خورد، از نظر سند و مأخذ معتبرتر است (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۰ق، ۴: ۱۱۶).

امامت در مکتب تشیع، یکی از اصول مهم اعتقادی دانسته می‌شود که ایمان بدون آن کامل

۱. مؤلف کتاب دفاع از مهدویت، عبارات علمای اهل سنت بر تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام را نقل کرده است (رضوانی، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۹).

نیست (ر.ک: خرازی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۵)، زیرا اهداف و اغراضی که با نبوت حاصل می‌شود، با امامت حقه نیز به دست می‌آید، به گونه‌ای که با انتفای امامت، اغراض و اهداف نبوت، منتفی می‌شود (ر.ک: یزدی مطلق، ۱۳۸۱: ۷۸ و ۷۹). از این رو، آیت‌الله جوادی آملی نیز بیان می‌کند که: «هرچند فهم مسئله حضرت مهدی علیه السلام، موعود موجود، و حضور مستمر وی در عین استتار و ظهور دائم او در متن اختفا، از دشوارترین معارف است و از این رو، نیل به آن در گرو فحص بالغ همراه با طهارت ضمیر است، ولی هرگز نمی‌توان بهانه دشواری ادراک برخی از معارف دینی را بهای ترک آن قرار داد و مجوز اهمال آن دانست» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۷۸).

از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که: «هر که انکار کند امامت یک امام زنده را، پس جمیع امام‌های گذشته را انکار کرده است» (مجلسی، ۱۳۸۴: ۸۸).

روایات بسیار زیاد و با مضامین مختلفی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که افرادی که بدون امام باشند، گمراه هستند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۲۷-۱۳۶). یکی از روایاتی که از طریق خاصه و عامه روایت شده این است که آن حضرت فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة» (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۹۸). درباره این حدیث، از نقطه نظر سند جای بحث نیست، به طوری که این حدیث را «متواتر معنوی» شمرده‌اند (ر.ک: حسینی تهرانی، ۱۴۲۶ق، ۳: ۱۹). شیخ مفید این روایت را خبر صحیحی دانسته که بر آن اجماع وجود دارد؛ سپس این پرسش را مطرح می‌کند که: اگر گفته شود در صورت صحت این خبر، قول شما در دوره غیبت چیست که دسترسی به آن حضرت ممکن نیست و کسی مکان وی را نمی‌داند؟ پاسخ می‌دهد: معرفت امام نیازمند مشاهده نیست، چراکه ما حتی به آنچه با حواس قابل درک نیستند و دارای مکان نمی‌باشند، علم داریم تا چه رسد به کسی که مکانش مخفی است؛ چنان‌که هنوز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در صلب آباء بودند که انبیای گذشته به او معرفت و اقرار داشتند و ما امروزه به قیامت و... ایمان داریم، در صورتی که آن‌ها را مشاهده نکردیم. بنابراین وجوب معرفت برای شخص، از مصالحی است که نیازمند مشاهده و دانستن مکان و... نیست (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۳).

### نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت غیر قابل انکار موضوع امامت و غیبت امام مهدی علیه السلام، باید برداشت‌های ناصحیحی که در این زمینه وجود دارد پاسخ داده شود. برخلاف آنچه دکتر عبدالکریم سروش ادعا می‌کند که وجود حضرت مهدی علیه السلام را نمی‌توان با ادله تاریخی اثبات کرد، عدم اعلان

عمومی مسئله تولد و امامت امام زمان علیه السلام بنا به مصالحتی بوده و خواصی از این مسئله آگاهی داشته‌اند و قبل و بعد از امامت حضرت ولی عصر علیه السلام به آن گواهی داده‌اند. شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که نشان‌دهنده وجود و حضور تاریخی آن حضرت است؛ از جمله می‌توان به گواهان تولد حضرت مهدی علیه السلام، مشاهده‌کنندگان آن حضرت اعم از خدمه و غلامان تا بسیاری از خواص و معتمدین از بزرگان شیعه، اخبار تاریخی مربوط به مادر امام مهدی علیه السلام، اخبار دال بر انجام سنت عقیقه و تبریک شیعیان به امام حسن عسکری علیه السلام، و اخبار حکومت وقت از وجود فرزند امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کرد؛ ضمن آن‌که وجود نهاد «وکالت» و حضور تاریخی «نواب اربعه» آن حضرت در دوره غیبت صغری، به تنهایی برای اثبات وجود آن بزرگوار کفایت می‌کند. در دوره غیبت کبری نیز بسیاری از بزرگان و صالحان شیعه با آن حضرت ملاقات داشته‌اند و علاوه بر اجماع شیعه بر وجود امام مهدی علیه السلام، بسیاری از بزرگان اهل سنت به تولد آن حضرت اعتراف کرده‌اند. هم‌چنین نمی‌توان در صحت‌سنجی گزاره‌های تاریخی تبعیض قائل شد؛ ملاک‌های صحت‌سنجی واحد است و پذیرش وجود تاریخی امام مهدی علیه السلام نیز مانند هر گزاره تاریخی دیگر، به صدق مخبران و ضبط و دقت آن‌ها، بستگی دارد. مقاله حاضر در زمینه این ادعا که اعتقاد به وجود امام مهدی علیه السلام ضرورتی ندارد، به بیان لزوم پذیرش اخبار متواتر پرداخته و متذکر گردید که از دیدگاه شیعه و اهل سنت نه تنها روایات متواتر که حتی اگر در زمینه‌ای خبر واحد نیز با سند معتبر همراه باشد، دارای اعتبار و مورد پذیرش است. پذیرش و کسب معرفت نسبت به وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام از جانب مؤمنان به مکتب شیعه و اعتقاد به همه ائمه اطهار علیهم السلام، ضرورتی انکارنشدنی است.

## منابع

### قرآن کریم.

۱. ابن شهر آشوب، محمدبن علی، (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه.
۲. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱)، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی.
۳. اشعری، ابوالحسن، (۱۴۰۰ق)، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، آلمان، فرانس شتاينر، چاپ سوم.
۴. اوسطی، حسین، (۱۳۸۶)، دوازده گفتار درباره حضرت مهدی علیه السلام، تهران، مشعر.
۵. آل یاسین، محمدحسن، (۱۴۱۳ق)، أصول الدین، قم، مؤسسه آل یاسین.
۶. انصاری، مرتضی، (۱۳۹۵)، فرائد الاصول، شرح و ترجمه: آیت‌الله محمد مسعود عباسی زنجانی، قم، دار العلم.

۷. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۳ق)، *مدینه المعاجز*، بی‌جا، مؤسسة المعارف الإسلامية.
۸. جمعی از نویسندگان، زیر نظر دکتر یزدی مطلق، (۱۳۸۱)، *امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *امام مهدی*، موجود موعود، تحقیق و تنظیم: محمدحسن مخبر، قم، اسراء، چاپ پنجم.
۱۰. حسینی تهرانی، سید محمدحسین، (۱۴۲۶ق)، *امام‌شناسی*، مشهد، علامه طباطبائی، چاپ سوم.
۱۱. حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۰۴ق)، *تقریب المعارف*، قم، الهادی علیه السلام.
۱۲. حللی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح، تقدیم، تحقیق و تعلیق: آیت‌الله حسن‌زاده آملی، قم، مؤسسة النشر الإسلامية، چاپ چهارم.
۱۳. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، «معقولیت و اثبات‌پذیری گزاره‌های دینی»، *کلام نوین اسلامی*، قم، تعلیم و تربیت اسلامی.
۱۴. خرازی، محسن، (۱۴۱۷ق)، *بداية المعارف الإلهية فی شرح عقائد الإمامية*، قم، مؤسسة النشر الإسلامية، چاپ چهارم.
۱۵. خواجهگی شیرازی، محمد بن احمد، (۱۳۷۵)، *النظامية فی مذهب الإمامية*، تهران، میراث مکتوب.
۱۶. رضوانی، علی اصغر، (۱۳۸۶)، *دفاع از مهدویت*، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم.
۱۷. سامی بدری، (۱۴۱۷ق)، *شبهات وردود*، قم، چاپ دوم.
۱۸. سروش، عبدالکریم، (نیمه شعبان ۱۳۹۲)، «سخنرانی با موضوع اقبال و مهدویت»، سایت [www.drseroush.com](http://www.drseroush.com).
۱۹. \_\_\_\_\_، (سوم مهرماه ۱۳۸۴)، «متن پاسخ به آقای بهمن‌پور - دوم»، سایت [www.drseroush.com](http://www.drseroush.com).
۲۰. السیوری، المقداد بن عبدالله، (۱۴۱۲ق)، *الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد*، تحقیق: ضیاء‌الدین بصری، بی‌جا، مجمع البحوث الإسلامية.
۲۱. شبر، سید عبدالله، (۱۴۲۴ق)، *حقّ الیقین فی معرفة أصول الدین*، قم، أنوار الهدی، چاپ دوم.
۲۲. شریف‌عسگری، نجم‌الدین جعفر، (۱۳۶۰)، *المهدی الموعود المنتظر* عند علماء أهل السنة و الإمامة، بی‌جا، مؤسسة الإمام المهدی علیه السلام.
۲۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن حللی، (۱۳۹۶)، *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية*، تلخیص و تصحیح: روح‌الله ملکیان، محمدرضا نعمتی و رضا مختاری، قم، دانش حوزه، چاپ سوم.
۲۴. شوشتری، نورالله، (۱۴۰۹ق)، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی.
۲۵. الصافی‌الکلیپایگانی، لطف‌الله، (۱۴۳۰ق)، *منتخب الأثر فی الإمام‌الثانی عشر* علیه السلام، قم، الآثار العلمية فی مکتب سماحة آیه‌الله الصافی‌الکلیپایگانی، چاپ سوم.
۲۶. \_\_\_\_\_، (بی‌تا)، *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، قم، الآثار العلمية فی مکتب سماحة آیه‌الله الصافی‌الکلیپایگانی.

۲۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
۲۸. طبرسی نوری، میرزا حسین، (۱۳۸۹)، نجم الثاقب در احوال حضرت ولی عصر صاحب العصر و الزمان بقية الله الأعظم علیه السلام، مشهد، بارش، چاپ دوم.
۲۹. طبری، عمادالدین، (۱۳۷۶)، تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار علیهم السلام، تصحیح و تحقیق: سید مهدی جهرمی، تهران، میراث مکتوب.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ق)، الغيبة، تحقیق: عبدالله تهرانى و على احمد ناصح، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ سوم.
۳۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، الغيبة، ترجمه: مجتبی عزیزى، قم، مسجد مقدس جمکران.
۳۲. عسکری، مرتضی، (۱۳۸۲)، نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین، تهران، منیر.
۳۳. فقیه ایمانی، مهدی، (۱۴۰۲ق)، الإمام المهدي علیه السلام عند أهل السنة، اصفهان، مكتبة الإمام أميرالمؤمنین علي علیه السلام، چاپ دوم.
۳۴. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۰ق)، أصالة المهديوية في الإسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامي.
۳۵. قاضی خانى، حسین، (۱۳۸۸)، «اثبات تاريخی وجود امام زمان از راه بررسی منصب وکالت در عصر غیبت صغرا»، مشرق موعود، شماره ۹.
۳۶. قمی، عباس، (۱۳۸۹)، کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه: استاد کمره‌ای، تهران، مؤسسه نبوی، چاپ نهم.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، الکافی، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۴)، امام شناسی، قم، سرور، چاپ ششم.
۳۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، مهدی موعود علیه السلام (ترجمه ج ۵۱-۵۳ بحار الأنوار)، ترجمه: علی دوانی، تهران، اسلامیه، چاپ بیست و هشتم.
۴۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۴۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (الف)، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۲. \_\_\_\_\_ (ب)، (۱۴۱۳ق)، رسائل فی الغيبة، قم، نشر المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۴۳. \_\_\_\_\_ (ج)، (۱۴۱۳ق)، الفصول المختارة، قم، نشر المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۴۴. موسوی، عبدالرحیم، (۱۴۲۲ق)، الإمام المهدي علیه السلام فی روایات أهل السنة، قم، المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام.
۴۵. نجفی، بشیر حسین، (۱۴۲۷ق)، ولادة الإمام المهدي علیه السلام، قم، مؤسسة السيدة المعصومة علیها السلام، چاپ سوم.
۴۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغيبة، تهران، صدوق.
۴۷. هاشم العمیدی، سید ثامر، (۱۳۸۴)، در انتظار ققنوس، ترجمه: مهدی علیزاده، بی جا، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ چهارم.
۴۸. یزدی حائری، علی، (۱۴۲۲ق)، إلزام الناصب فی إثبات الحججة الغائب، تحقیق: سیدعلی عاشور، بیروت، مؤسسة الأعلمی.